

دیپلمات‌ها



### مرحله حساس از مذاکرات آتش‌بس غزه

علی باقری بامداد جمعه در پیامی در شبکه ایکس نوشت: «در پاسخ به تماس تلفنی نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه قطر در خصوص آخرین تحولات گفت‌وگوهای مربوط به توقف جنایت صهیونیست‌ها در غزه بحث و تبادل نظر شد. محمد بن عبدالرحمن آل ثانی با اشاره به نشست دیروز مذاکرات مربوط به آتش‌بس به میزبانی قطر، نتایج این مرحله از مذاکرات را حساس توصیف کرد. بر لزوم تداوم تلاش‌های همه‌جانبه و اقدامات عملی، از جمله فعالیت‌های دیپلماتیک برای توقف نسل‌کشی صهیونیست‌ها در غزه تأکید کرد.» این اظهارات در شرایطی بیان می‌شود که روزنامه دیپووت آخارونوت می‌گوید که قطر به ایران اطلاع داده است که در مذاکرات برای آتش‌بس در غزه پیشرفت حاصل شده و سعی کرده است ایران را متقاعد کند که به حملات اسرائیل پاسخ ندهد. واشنگتن‌پست نیز در گزارشی نوشته‌بود حزب‌الله در طول مذاکرات معامله دوچه، حمله تلافی جوانه‌های علیه اسرائیل انجام نخواهد داد.



### امیدواری به روابط دوستانه با ایران

رئیس‌جمهور پیشین آمریکا و نامزد حزب جمهوری خواه برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ این کشور گفت که امیدوار است در صورت پیروزی او در انتخابات، آمریکا روابطی دوستانه با ایران برقرار کند. به گزارش ایسنا، «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور پیشین آمریکا و نامزد حزب جمهوری خواه در انتخابات ۲۰۲۴ آمریکا در یک کنفرانس خبری در بدمینستر با تکرار ادعای این کشور مبنی بر حمایت مالی و تسلیحاتی ایران از گروه‌های مقاومت منطقه گفت: «حساس هیچ پولی نداشت، چون ایران پولی نداشت.» نامزد انتخاباتی حزب جمهوری خواه آمریکا گفت: «امیدوارم روابط دوستانه داشته باشیم. اما آن‌ها (ایران) نمی‌توانند یک سلاح هسته‌ای داشته باشند.»



### نگرانی از تعمیق مشارکت ایران و روسیه

پنتاگون با تکرار ادعاها درباره حمایت نظامی ایران از روسیه در جنگ اوکراین، درباره تعمیق شراکت تهران-مسکو ابزاز نگرانی کرد. به گزارش ایسنا، سابارینا سینگ، معاون سخنگوی وزارت دفاع آمریکا(پنتاگون) در پاسخ به سؤالی درباره دیدار اخیر مقامات بلندپایه ایران و روسیه گفت: «من نمی‌توانم درباره این سفر گمانه‌زنی کنم، اما غیر از این، ما شاهد تعمیق همکاری ایران و روابط میان روسیه و ایران هم‌زمان با جنگ نامشروع روسیه در اوکراین بوده‌ایم. سینگ گفت: «ما شاهد تعمیق این شراکت بوده‌ایم.» این مقام پنتاگون مدعی شد: «ما شاهد تلاش روسیه برای کسب تسلیحات از ایران بوده‌ایم. نمی‌توانم درباره جزئیات این سفر گمانه‌زنی کنم اما شاهد این سفرهای مقامات طی دو سال گذشته بوده‌ایم.» این در حالی است که مقامات ایران بار دین ادعا گفته‌اند همکاری‌های نظامی ایران و روسیه در چار چوب روابط دفاعی دو کشور است و ارتباطی به جنگ اوکراین ندارد. وی در مورد احتمال واکنش ایران به اقدام تروزیستی اخیر اسرائیل نیز گفت: «ایران می‌تواند انتخاب کند. من فکر می‌کنم که در انتقال پیام درباره دفاع از اسرائیل بسیار صریح بوده‌ایم، ما همان‌طور که در ۱۳ آوریل از اسرائیل دفاع کردیم، از آن دفاع خواهیم کرد.»

که با چنین شیوه‌ای می‌توان رفتار ایران را تغییر داد. متاسفانه مدت‌مدیدی است که ایالات متحده انتخاب کرده‌است چنین روشی را در پیش‌نگیرد و به همین دلیل حفظ خطوط قرمز آمریکا در خصوص رفتار ایران مشکل شده‌است. من حتی یک گام جلوتر می‌گذارم و می‌گویم که کل سیاست خارجی شما در منطقه نمی‌تواند فقط با عبارت «اجتناب از تنش» توصیف شود. شما اگر می‌خواهید جلوی تنش را بگیرید، باید آمادگی افزایش آن را داشته‌باشید. لازم‌بازارندگی در مقابل ایران آشنایی با ذهنیت دشمن است. یکی از این دوروش را باید در پیش‌بگیرد؛ بازارندگی از طریق انکار، یعنی اینکه ما اجازه نمی‌دهیم به اهداف‌شان برسند، چون ما جلوی آنها را می‌گیریم یا بازارندگی از طریق تنبیه، یعنی اجازه داری دنبال هدف‌ت بروی، ولی با دردی مواجه خواهی شد که غیرقابل تحمل است و نمی‌توانی در مقابل آن درد دوام بیاوری. احتمالاً ما در بازارندگی نوع دوم هستیم، ایرانی‌ها نظریه بازارندگی را می‌شناسند و به آن واکنش نشان می‌دهند، فقط ما باید به اندازه کافی در این بازی منابع وارد کنیم تا بتوانیم توانایی‌مان را نشان دهیم.

**شما تجربیات خود را از فرماندهی نبرد در کتاب اخیرتان «نقطه ذوب: فرماندهی ارشد و جنگ در قرن ۲۱» منتشر کرده‌اید. کمی توضیح می‌دهید که در راستای آنچه در کتاب گفته‌اید، انگیزه آمریکا از حذف قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، چه بود؟ منطق استراتژیک و چالارن پشت این تصمیم چه بود و چرا شما به فرماندهی غیرنظامی توصیه کردید که در صورت تصویب این اقدام انجام شود؟**

تابستان سال ۲۰۱۹ ایران بسیار در منطقه به لحاظ نظامی فعال شده‌بود. تحت فشار سیاست «فشار حداکثری» دولت وقت، آنها تصور می‌کردند که با اقدام نظامی می‌توانند از زیر این فشار خارج شوند. آنها اقدام‌های خود را با حمله به نفت‌کش‌ها در خلیج فارس، حمله به تاسیسات نفتی عربستان سعودی در سپتامبر ۲۰۱۹، سرنوشتی پهباد RQ-۴ ما بر فراز تنگه هرمز، حمله به نیروهای ما در عراق در زمستان ۲۰۱۹ و تحت فشار قرار دادن سفارت، کار خود را پیش می‌بردند. فرمانده این عملیات قاسم سلیمانی بود. او یک فرمانده مؤثر ایرانی در این چارچوب بود. او مؤثر بود به این دلیل که در میدان با گروه‌های شبه‌نظامی شیعه خوب همکاری می‌کرد، او می‌توانست به آنجا برود، توی سرشان بزند و واردشان کند که همه در یک جهت حرکت کنند. آدم‌های زیادی از پس این کار خیلی مهم بر نمی‌آیند، او رابطه نزدیکی با رهبر معظم ایران داشت که خارج از سلسله‌مراتب فرماندهی نظامی بود. رابطه آنها یک رابطه پدر-پسری بود. اگر قرار بود کاری انجام شود که کسی از پس آن بر نمی‌آید، او به سادگی پیش‌رهبری می‌رفت و استدلال خود را مطرح می‌کرد و معمولاً در این کار موفق بود. او خیلی در کشتن آمریکایی‌ها قوی بود و خیلی از آمریکایی‌ها را هم کشته‌بود. زمستان ۲۰۱۹ در ماه دسامبر، براساس شواهد اطلاعاتی می‌دانستیم که می‌خواهد به کشتن آمریکایی‌ها ادامه دهد و به عراق رفته‌بود تا این حمله‌ها را هماهنگ کند. نمی‌گویم که برنامه‌اش این بود که شخصاً نقشه‌اش بکشد و برود و در سفارت آمریکا بمب بگذارد، اما می‌خواست آدم‌هایی را که این کار را انجام می‌دهند، هماهنگ کند.

در آن زمان برای من روشن شده‌بود که ریسک بی‌عملی از اقدام بیشتر شده‌است و اگر ما اقدامی علیه شخص او انجام ندهیم، آمریکایی‌ها و افراد دیگری کشته‌خواهند شد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا این اطلاعات را گرفت و براساس آن تصمیم اتخاذ کرد. او تصمیم حمله به قاسم سلیمانی را گرفت. من با این پیشنهاد همسو بودم، آن را توصیه کرده‌بودم و نظرم این بود که حمله انجام شود. احساس من این بود که ایرانی‌ها به این اقدام واکنش نشان دهند، و البته واکنش نشان دادند و به عین‌الاسد حمله کردند که حمله خیلی مؤثری نبود و می‌توانستیم از آن چشم‌پوشی کنیم. اما حمله به شخص او [شهید سلیمانی] حمله‌ای بود که اگر انجام نمی‌دادیم، زندگی‌های بیشتری از دست می‌دادیم. پاییز ۲۰۱۹ هنوز به چنین نقطه‌ای نرسیده‌بودیم، اما وقتی با کشوری مثل ایران مواجه هستید، خوب است که گزینه‌ها را بررسی کنید. اگر تا آخر صبر کنید، معمولاً هزینه جلوگیری از اقدامات آنها بسیار بیشتر از این خواهد بود که از ابتدا با تهاجمی مواجه شوید. ما در تایلستان و پاییز ۲۰۱۹ تصمیم گرفتیم که چندان تهاجمی نباشیم و این باعث شد که در زمستان ۲۰۱۹ در شرایط سختی قرار بگیریم. در آن زمان دیگر حذف او این سیگنال را به ایران ارسال می‌کرد که ما دیگر رفتار شرورانه آنها، تمایل‌شان به کشتن آمریکایی‌ها و تغییر بازارندگی در منطقه را نمی‌پذیریم. من معتقدم که این اقدام نهایتاً باعث تحول بازارندگی شد و آن را اقدام کوچکی تلقی نمی‌کنم. من فکر نمی‌کنم که کشتن یک فرد اقدامی خوشحال‌کننده و شایان تشویق باشد. اما تصور می‌کنم که این اقدام در آن زمان ضروری و مناسب بود. با گذشت زمان از روز ۲۳ ژانویه ۲۰۲۰ که ما این اقدام را انجام دادیم، تصور من این است که آدم‌های زنده مانده‌اند که اگر آن اقدام را انجام نمی‌دادیم، زنده نبودند.

### ترجمه: شهاب شهسواری

مفروض دانست. صریح بگویم، حزب‌الله لبنان به نابودی اسرائیل متعهد است، اما این هدف را در تصمیم‌گیری برای ورود به جنگ با از بین رفتن موجودیت خودش در ترازو قرار می‌دهد.

نکنه آخر در مورد حوثی‌هاست. شکی نیست که حوثی‌ها تمام‌قد در میدان هستند. آنها در شرایط کنونی در میان نیروهای نیابتی ایران از همه مشتاق‌تر هستند. توانایی آنها در آسیب زدن به اسرائیل محدود است. دیدیم که مدتی پیش توانستند موفقیت کوچکی در تل‌آویو به دست بیاورند، اما فکر نمی‌کنم که بتوانند به صورت جدی اسرائیل را تهدید کنند. آنچه می‌توانند انجام دهند این است که به بستن باب‌المنذب ادامه بدهند که تأثیر زیادی بر دیپلماسی بین‌المللی خواهد داشت و به شکل ویژه باعث خجالت آمریکا می‌شود. انتظار می‌رود که این کار آنها ادامه پیدا کند. اما حوثی‌ها عامل مؤثری در این وضعیت نخواهند بود و عامل اصلی حزب‌الله است. در کنار اینها ممکن است که گروه‌هایی در سوریه و عراق هم تصمیم بگیرند که وارد نبرد شوند. احتمالاً از حماس هم اقداماتی را خواهیم دید، از آنچه از حماس باقی مانده است. اگر این حمله اتفاق بیفتد در کرانه باختری هم اقداماتی را شاهد خواهیم بود. باور من این است که این حمله اتفاق می‌افتد؛ مسئله زمان آن است. اما مهم‌ترین متغیر این است که حزب‌الله چه خواهد کرد.

**افرض کنیم که اسرائیل از چندین جهت مورد حمله قرار بگیرد، آرایش نظامی آمریکا چگونه خواهد بود؟ ایران کشورهای خلیج فارس را هم تهدید کرده‌است که اگر مداخله کنند، به آنها هم آسیب می‌زند. اگر ایران به کشورهای خلیج فارس حمله کند چطور؟ همه از یک جنگ منطقه‌ای حرف می‌زنند، چنین جنگی دقیقاً به چه شکلی رخ خواهد داد؟**

ایالات متحده آمریکا در درجه اول به دفاع از اسرائیل متعهد است. من از برنامه‌ریزی‌های جاری اطلاعاتی ندارم، اما می‌دانم که به دفاع از آنها متعهدیم و فکر می‌کنم اگر آنها با حملاتی که به آنها می‌شود تحت فشار قرار بگیرند، به آنها کمک کنیم؛ در این مورد اطمینان دارم. اینکه دقیقاً چه کاری خواهیم کرد، من نمی‌دانم، اما ناوهای بیشتری به شرق مدیترانه اعزام کرده‌ایم، ناوهای دفاع در برابر موشک‌های بالستیک و دیگر ابزار نبرد. در نتیجه اگر رئیس‌جمهور دستور دهد ما می‌توانیم به اسرائیل کمک کنیم. فکر کنم جو بایدن هم کاملاً روشن اعلام کرده‌است که اگر اسرائیل تحت فشار قرار گیرد به آن کمک می‌کنیم، ما در آوریل هم بخشی از دفاع از آنها بودیم. حالا اگر حزب‌الله وارد عمل شود، میزان حمله آنها به اسرائیل گستره واکنش بعد از آن را معلوم می‌کند. اگر یک حمله کوچک باشد که به مراکز جمعیتی آسیب نزند، آنگاه واکنش اسرائیل هم متعادل خواهد بود. اما اگر حمله بزرگی علیه شهرها انجام شود که تلفات غیرنظامی برجای بگذارد، آنگاه فکر می‌کنم که مشخص است واکنش اسرائیل چگونه خواهد بود. اسرائیل توانایی واکنش گسترده‌ای به حزب‌الله را دارد. آنها برای این کار برنامه‌ریزی کرده‌اند، آموزش دیده‌اند و توانمندی‌هایش را هم دارند. آنها می‌دانند که با چه بازی‌ای مواجه هستند. در نتیجه حزب‌الله لبنان همه این شرایط را در نظر می‌گیرد. اگر حزب‌الله به شکل گسترده‌ای حمله کند، اسرائیلی‌ها هم با حمله گسترده‌تری پاسخ می‌دهند که به روشنی آن را اعلام کرده‌اند و من هم انتظار دارم همین کار را بکنند. در نتیجه باید منتظر باشیم و ببینیم از طرف حزب‌الله چه رخ خواهد داد.

در مورد اینکه ایران با کشورهای عربی که ممکن است به اسرائیل کمک کنند چه خواهد کرد، قطعاً می‌تواند به آنها حمله کند، اما این اقدامی برخلاف هدف اصلی سیاست خارجی ایران، یعنی حفظ رژیم روحانیت حاکم است، چراکه باعث می‌شود همه در میدان علیه آنها بسیج شوند. ایران نمی‌خواهد این کار را انجام دهد. آنها باور دارند که در حال محاصره کردن اسرائیل هستند، اما اگر اقدام به شدت تهاجمی علیه کشورهای عربی انجام دهند، تمام این رشته‌ها پنبه خواهد شد. این یک گام بسیار بلند است که ایران ممکن است نخواهد بردارد. این مسئله‌ای است که باید خیلی زیاد روی آن فکر کنند، چراکه باعث می‌شود شانس گسترده‌تر شدن میدان نبرد بسیار بیشتر شود و فشار بر رژیم روحانی در ایران را افزایش می‌دهد و احتمال تغییر نظام را در ایران بیشتر می‌کند. ببخشید اگر حرفم را تکرار می‌کنم، اما اصلی‌ترین اولویت ایران این است که نظام را حفظ کند و همین مسئله می‌تواند کمک کند تا اقدام‌های آنها را پیش‌بینی کنیم.

**با فرض اینکه اقدام تلافی جویانه رخ دهد، فکر می‌کنید چقدر طول بکشد؟ در بلندمدت باید منتظر چه تحولاتی باشیم؟ شما به تغییر نظام یا فروپاشی در ایران اشاره کردید. توضیح بدهید که باید انتظار چه اتفاقاتی را داشته‌باشیم؟**

آنگونه که گفتم به نظرم واکنش ایران قابل پیش‌بینی است. آنها غیرقابل پیش‌بینی نیستند. وقتی اولویت‌های آنها را ببینید و بار دیگر می‌گویم که اولویت آنها حفظ نظام است، آنگاه قابل پیش‌بینی می‌شوند. آنها به فشار روشن و مداوم واکنش نشان می‌دهند. باید به ایرانی‌ها نشان بدهید که برخی از اقدام‌ها کاملاً غیرقابل قبول هستند و آمادگی دارید که به آنها واکنش نشان بدهید. من فکر می‌کنم

جدید حمله را علیه اسرائیل باز می‌کنند. حمله مجدد از سوی ایران محتمل است، اما این بار آنها حمله را با یک حمله هم‌زمان یا تقریباً هم‌زمان از سوی حزب‌الله همراه می‌کنند که هم می‌تواند برای حزب‌الله لبنان فرصت باشد و هم می‌تواند ریسک‌هایی به همراه داشته‌باشد.

چنین حمله‌ای فشاری به اسرائیل وارد می‌کند که حمله ۱۳ آوریل نتوانست وارد کند. ایران تلاش می‌کند توانمندی‌هایش را بهبود بخشد و اسرائیل هم یک مزیت در نبرد با ایران دارد، چراکه فاصله‌اش از میدان با ایران نسبتاً زیاد است. آنها چیزی دارند که ما به آن عمق استراتژیک می‌گوییم. موشک‌های بالستیک، کروز و پهپادها باید مسیر زیادی طی کنند تا به اسرائیل برسند و در نتیجه اسرائیل فرصت بیشتری دارد تا آنها را رهگیری کند. در شرایطی که کشورهایی مانند عربستان، امارات متحده عربی، قطر و بحرین از داشتن امتیاز فاصله‌ی به‌بهره‌اند. در نتیجه تهدید ایران خیلی فوری‌تر است. سخن آخرم این است که کشورهای خلیج فارس [به تدریج ماهیت تهدید ایران را درک کرده‌اند. به همین دلیل هم از حدود سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ شاهد مذاکراتی برای هماهنگی دفاع هوایی و موشکی در منطقه بودیم. در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ من این فرصت را داشتم که جلساتی میان فرماندهان دفاعی کشورهای خلیج فارس [فارس] و فرمانده دفاعی اسرائیل برگزار کنم. ما در مورد روش‌هایی که می‌توانستیم در برابر حملات موشک‌های بالستیک، کروز و پهپادی ایران همکاری کنیم، گفت‌وگو می‌کردیم. چیزی که در آوریل دیدیم، در واقع ثمره آن برنامه‌ریزی‌ها بود که دیدیم چگونه اجرا شد. اما اگر ایران دوباره حمله کند، آیا باز هم دفع می‌شود؟ جواب این سوال را نمی‌دانم، می‌دانم که کشورهای منطقه ماهیت موجودیتی تهدید ایران را درک می‌کنند. در نتیجه وقتی ما به گزینه‌هایی فکر می‌کنیم که ایران ممکن است برای پاسخ به حمله اسرائیل انتخاب کند، من بیشتر تأمل می‌کنم.

**چیز زیادی از آوریل نگذشته‌است. ایرانی‌ها وقت زیادی نداشته‌اند که درس‌های آموخته از آن حمله را به کار بگیرند. چقدر احتمال دارد گروه‌های متحد ایران در سوریه، عراق یا حوثی‌ها در حمله مشارکت کنند؟ در واقع سوال این است که در اقدام نظامی پیش‌رو، ایرانی‌ها چه اقدام متفاوتی ممکن است انجام دهند؟**

نخست اینکه فکر نمی‌کنم در این حمله بتوانند تغییر زیادی در تاکتیک‌ها، تکنیک‌ها و رویه‌های حمله ایجاد کنند. همان‌گونه که تو گفתי وقت زیادی برای این نداشتند که تغییر زیادی ایجاد کنند. آنچه متفاوت است، این خواهد بود که بتوانند حسن نصرالله را قانع کنند که از توانمندی‌هایی که دارند استفاده کند. حزب‌الله لبنان، بزرگ‌ترین بازیگر نظامی غیردولتی در جهان است. آنها زرادخانه بزرگی از موشک‌های نقطه‌زن و غیره دارند که می‌توانند به اسرائیل شلیک کنند. در نتیجه اینکه آنها وارد عمل شوند، یک تغییر مهم در وضعیت است. اما من معتقدم که این اقدام برای حسن نصرالله و حزب‌الله بدون ریسک هم نیست. به نظر من حزب‌الله لبنان در شرایطی قرار گرفته‌است که ضعیف‌ترین روابطش را در لبنان با مردم لبنان و دولت لبنان دارد. بسیاری از مردم حزب‌الله را در وضعیت وخیم اقتصادی جاری، فساد گسترده و این واقعیت که کشور برای تأمین غذا هم مشکل دارد و دچار بن‌بست سیاسی کشنده‌ای است، مقصر می‌دانند. همه این نکات در تصمیم‌گیری نصرالله نقش خواهند داشت. برخلاف سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ وضعیت سیاسی حزب‌الله چندان قدرتمند نیست. علاوه بر این احساس من این است که صرف تقاضای ایران از نصرالله کافی نیست که او را وارد میدان کند. درست است که نیروهای حزب‌الله توسط ایران آموزش و تسلیح شده‌اند، اما معنایش این نیست که آنها برای تصمیم‌گیری در خصوص حمله به اسرائیل کاملاً تحت فرمان ایران باشند. تصمیم حزب‌الله مستقل از ایران است، چراکه علاوه بر دلایل دیگری که گفتم، اسرائیل این توانایی را دارد که ضربه بسیار عظیمی به حزب‌الله وارد کند. در واقع اگر حزب‌الله وارد عمل شود، اسرائیل ممکن است برخی توانایی‌ها برای ضربه زدن به ایران داشته‌باشد، اما توانایی ضربه زدن وسیع و فوری به حزب‌الله را دارد. الان من فکر می‌کنم که شانس اینکه حزب‌الله وارد عمل شود، بیشتر از این است که اقدامی انجام ندهد، چون برخی رهبران کلیدی آنها هم مورد حمله اسرائیل واقع شده‌اند. از سوی دیگر اگر در تهاجم بدون محدودیت مشارکت کنند، آنگاه با واکنش قدرتمند و وسیع اسرائیل مواجه می‌شوند که قطعاً باعث تضعیف حزب‌الله در لبنان می‌شود. از نظر من این یک جنگ خونین و وحشتناک خواهد بود که اگر اتفاق بیفتد، حزب‌الله در آن پیروز نخواهد شد. چنین جنگی آثار منطقه‌ای گسترده‌ای در پی دارد. نصرالله می‌داند که گستره واکنش اسرائیل بسیار وسیع خواهد بود، ریسک‌ها برای او نسبت به ریسک‌ها برای ایران بیشتر است. حالا برگردیم به چیزی که ابتدای مصاحبه گفتم، ایران کاری نخواهد کرد که موجودیت نظام دین‌سالارانه به خطر بیفتد. من معتقدم اگر آنها موجودیت حزب‌الله را به خطر بیاندازند، نگرانی نخواهند داشت. نصرالله هم این را می‌داند. در نتیجه ورود حزب‌الله را به جنگ نمی‌توان

نخست اینکه فکر نمی‌کنم در این حمله بتوانند تغییر زیادی در تاکتیک‌ها، تکنیک‌ها و رویه‌های حمله ایجاد کنند. همان‌گونه که تو گفתי وقت زیادی برای این نداشتند که تغییر زیادی ایجاد کنند. آنچه متفاوت است، این خواهد بود که بتوانند حسن نصرالله را قانع کنند که از توانمندی‌هایی که دارند استفاده کند. حزب‌الله لبنان، بزرگ‌ترین بازیگر نظامی غیردولتی در جهان است. آنها زرادخانه بزرگی از موشک‌های نقطه‌زن و غیره دارند که می‌توانند به اسرائیل شلیک کنند. در نتیجه اینکه آنها وارد عمل شوند، یک تغییر مهم در وضعیت است. اما من معتقدم که این اقدام برای حسن نصرالله و حزب‌الله بدون ریسک هم نیست. به نظر من حزب‌الله لبنان در شرایطی قرار گرفته‌است که ضعیف‌ترین روابطش را در لبنان با مردم لبنان و دولت لبنان دارد. بسیاری از مردم حزب‌الله را در وضعیت وخیم اقتصادی جاری، فساد گسترده و این واقعیت که کشور برای تأمین غذا هم مشکل دارد و دچار بن‌بست سیاسی کشنده‌ای است، مقصر می‌دانند. همه این نکات در تصمیم‌گیری نصرالله نقش خواهند داشت. برخلاف سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ وضعیت سیاسی حزب‌الله چندان قدرتمند نیست. علاوه بر این احساس من این است که صرف تقاضای ایران از نصرالله کافی نیست که او را وارد میدان کند. درست است که نیروهای حزب‌الله توسط ایران آموزش و تسلیح شده‌اند، اما معنایش این نیست که آنها برای تصمیم‌گیری در خصوص حمله به اسرائیل کاملاً تحت فرمان ایران باشند. تصمیم حزب‌الله مستقل از ایران است، چراکه علاوه بر دلایل دیگری که گفتم، اسرائیل این توانایی را دارد که ضربه بسیار عظیمی به حزب‌الله وارد کند. در واقع اگر حزب‌الله وارد عمل شود، اسرائیل ممکن است برخی توانایی‌ها برای ضربه زدن به ایران داشته‌باشد، اما توانایی ضربه زدن وسیع و فوری به حزب‌الله را دارد. الان من فکر می‌کنم که شانس اینکه حزب‌الله وارد عمل شود، بیشتر از این است که اقدامی انجام ندهد، چون برخی رهبران کلیدی آنها هم مورد حمله اسرائیل واقع شده‌اند. از سوی دیگر اگر در تهاجم بدون محدودیت مشارکت کنند، آنگاه با واکنش قدرتمند و وسیع اسرائیل مواجه می‌شوند که قطعاً باعث تضعیف حزب‌الله در لبنان می‌شود. از نظر من این یک جنگ خونین و وحشتناک خواهد بود که اگر اتفاق بیفتد، حزب‌الله در آن پیروز نخواهد شد. چنین جنگی آثار منطقه‌ای گسترده‌ای در پی دارد. نصرالله می‌داند که گستره واکنش اسرائیل بسیار وسیع خواهد بود، ریسک‌ها برای او نسبت به ریسک‌ها برای ایران بیشتر است. حالا برگردیم به چیزی که ابتدای مصاحبه گفتم، ایران کاری نخواهد کرد که موجودیت نظام دین‌سالارانه به خطر بیفتد. من معتقدم اگر آنها موجودیت حزب‌الله را به خطر بیاندازند، نگرانی نخواهند داشت. نصرالله هم این را می‌داند. در نتیجه ورود حزب‌الله را به جنگ نمی‌توان